



بدترین آدم در این دنیا

بازیگر زن جشنواره معتبر کن فرانسه به وی در ژوئن ۲۰۲۱ (تیرماه ۱۴۰۰) به خاطر بازی در این فیلم بود که به تنهایی نیز برای اضافه شدن اسم او به ملاحظات حاکم بر جوایز پایانی سال کفایت می‌کند. معرفی این فیلم از سوی دولت نروژ به آکادمی اسکار به عنوان نماینده رسمی این کشور در شاخه برترین «فیلم بین‌المللی» (غیرانگلیسی زبان) نیز چه توفیق آمیز باشد و چه به ناکامی منجر شود، بر حجم تبلیغات پیرامون بازیگر اول زن فیلم افزوده و او را بیشتر به سوی صف کاندیداهای اسکار، سزار و گلدن گلوب پیش رانده و فضا و یادگارهای جشنواره کن را به اوایل سال ۲۰۲۲ بسط داده است.

«رانه رینس وی» هنرپیشه زن ۳۴ ساله نروژی جدیدترین ستاره‌ای است که در آسمان هنر هفتم می‌درخشد و این فیلم تازه قطعاً بر میزان تأیید عمومی و محبوبیت وی می‌افزاید و موقعیت او را تثبیت خواهد کرد. این سومین و آخرین قسمت از تریلوژی **یواخیم‌تری‌پراست** که آن را سه‌گانه اسلویی نامیده‌اند و ویژگی مشترک آنها این است که جملگی در شهر اسلو، پایتخت نروژ شکل می‌گیرند و ادغامی از اتفاقات مهم یا کوچکی به شمار می‌آیند که وقتی کنار هم قرار داده می‌شوند، زندگی را بارز و روند آن را جلوه‌گر می‌شوند. شاید «بدترین آدم در این دنیا» نگاهی منفی و نگرشی از سر بدبینی به وقایع کنونی جهان باشد یا حداقل یک کمدی تلخ به شمار آید، اما تردیدی نیست که رانه رینس وی جدی‌ترین و دراماتیک‌ترین بازی ممکن را در آن ارائه داده است. سند صحت این ادعا اختصاص یافتن جایزه بهترین



آوای پایانی (ترانه آخر)

شاید نگاهی ولو عمیق به متن داستان «آوای پایانی» با کارگردانی **بنجامین کلی‌پری** فقط یک فیلم عادی و رایج از تبار کارهای عاطفی و گریه‌دار را گواهی بدهد و چون متمرکز بر یک فرد بیمار و تلاش وابستگان او برای رفع کسالت اوست، لایب مسیری را طی می‌کند که فیلم‌های دیگری از این دست هم آن را پیموده‌اند. حتی اگر این برآورد صحیح باشد و جوهره ذاتی و عمق داستان «بیا، بیا» در همان سطوح همیشگی این قبیل کارها توقف کند و قدمی بلندتر برندارد، بازی‌های عالی هنرپیشه‌های فیلم این کار تازه را از اکثر همگانشان تفکیک کرده و در مرتب بالاتری می‌نشانند. از آن قبیل اند ماهرشالا علی سیاهوست که در شش سال اخیر دوبار اسکار بهترین بازیگر نقش دوم مرد را برده است، ناومی هریس که بازی قوی‌اش در نقش یک پلیس زن سیاهوست و حقیقت طلب در «سیاه و آبی» به سال ۲۰۱۸

تحسین شده و البته گلن کلوز توانا و معروف که با عبور از مرز ۷۰ سال سن، پیشینه هشت بار نامزدی برای جوایز اسکار بهترین بازیگر زن نقش اول و دوم سال را دارد و عجباً که هنوز آن را تصاحب نکرده است. این تصور که «ترانه آخر» با ترکیبی از حره‌های سنتی فیلم‌های عاطفی و اتفاقات فیلم‌های ماوراءالطبیعه‌ای قصد شگفت‌زده کردن تماشاگران را دارد و از این طریق آکادمی اسکار را نیز به تجلیل از خود وادار، برداشت کامل و منصفانه‌ای از این فیلم نیست. کافی است به یاد آوریم که گلن کلوز چطور در

احتمالی به درستی در متن اخبار و در جریان گمانه‌زنی‌ها آمده اما اسکاروسیله و جایزه‌ای است که با هر احتمال و امکانی عجین است و گاهی مصلحت‌های سیاسی بر صلاحیت‌های حرفه‌ای چربیده و این جوایز را به دست کسانی رسانده که لزوماً ارائه‌گر بهترین نمایش‌های سال نبوده‌اند. همین که آکادمی علوم سینمایی و هنرهای تصویری طی قانونی نانوشته همواره کوشیده است در مواقع رقابت‌های برابر اسکار را به هنرمندی بدهد که پیش‌تر آن را نبرده‌اند، نشانگر همین گزینش‌های ناسره و انتخاب‌هایی است که بیشتر میل به تجلیل‌های نوبتی و فرمایشی از هنرمندان دارد و از یک بررسی حرفه‌ای-فنی و مضمونی دقیق و بدون رویکرد به ملاحظات جنبی فاصله گرفته است.

اسکارهای امسال به چه کسانی می‌رسد؟ (قسمت آخر)

از یورش تازه کولمن تا ارتقای درجات کلونی

رومان روحانی
خبرنگار

در قسمت ششم (و آخر) از این سلسله مقالات اوصاف پنج فیلم دیگری را می‌آوریم که در ماه‌ها و هفته‌های اخیر عرضه شده و به لحاظ کیفی و مضمونی شرایط نامزدی برای جوایز اسکار را از خود بروز داده‌اند و شاید تا اوایل روزها و ساعات منتهی به اهدای این جوایز (دهه اول فروردین ماه ۱۴۰۱) در مسیر تصاحب آن بمانند. چنین مسیری هرگز یک راه سرراست و یک فرایند صریح و قابل تشخیص توأم با یقین برای هنرمندان و نهاد‌های هنری شامل رسانه‌ها نبوده و اگرچه طی گمانه زنی‌های حرفه‌ای بارها نام و وصف کاندیداهای

روی هندروستان قرار داده است. فیلمی که نه مثل «شب بخیر، موفق باشی» کار موفق سیاسی یک دهه و اندی پیش وی بیشتر یک بافت مستندگونه دارد و نه همانند بعضی فیلم‌های دیگر او رویکردی جنایی و داستانی معمایی. این فیلمی است که قطعاً ارتقای سطح کاری جورج کلونی را استمرار بخشیده و او را از جایگاه ستاره‌ای پولساز و پرطرفدار دورتر کرده و به منزلت سینماگری مؤلف و ارزشمند نزدیک‌تر خواهد کرد.



میله ظریف

در جدیدترین مرتبه انتقال **جورج کلونی** معروف به پشت دوربین فیلمبرداری این بن‌فلک است که با ارائه یکی از بهترین بازی‌های عمر هنری تقریباً ۳۰ ساله‌اش بیش از هر زمانی به کاندیدایی اسکار در شاخه بهترین بازیگر مرد سال نزدیک شده است. افک البته هم یک اسکار بهترین سناریوی سال را (به طور مشترک با مت دیمن) برای فیلم «ویل هانتینگ خوب» در کارنامه‌اش دارد و هم یک بار مجسمه طلایی بهترین فیلم سال را کسب کرده که این افتخار چه به‌عنوان تهیه‌کننده و چه در هیات کارگردان آن اثر سینمایی به او تعلق گرفته است. با وجود این افک در کارنامه کارگردانی‌اش فیلم‌های خوب دیگری



مانند «شهر» و «Gone, Baby, Gone» را هم دارد، هرگز به‌عنوان یک بازیگر به نامزدی اسکار نائل نشده و حتی این بار هم که به یمن محتوای قوی فیلم جدید کلونی به این افتخار چشمک می‌زند، نامزدی احتمالی وی برای نقش دوم خواهد بود و نه نقش اول. هر چه هست، کلونی در مقام یک کارگردان مثل موارد قبلی حضورش در پشت دوربین به یک مضمون دراماتیک روی آورده و قصه‌ای اجتماعی و خانوادگی با اثرگذاری وسیع را پیش

رومی و نکتته واضح است که اولیویا کولمن، هنرپیشه زن بریتانیایی طی سال‌های اخیر به شکلی فرآینده و با رشدی چشمگیر تبدیل به یک بازیگر محبوب در هالیوود هم شده و گمپانی‌های امریکای شمالی نیز او را با وسعت به کار گرفته‌اند. او ابتدا در فیلم درباری و تاریخی «محبوب» در سال ۲۰۱۷ چهره شد و سپس چشم و چراغ سریال تلویزیونی «تاج» جلوه کرد و در سال ۲۰۲۰ نیز در نقش دختر کاراکتر آنتونی هاپکینز در فیلم عاطفی و خانوادگی «پدر» نمره قبولی گرفت. تنها فردی که در این فیلم بیشتر از کولمن درخشید، هاپکینز بود که در نقش یک پدر مبتلا به بیماری آلزایمر چنان باورپذیری بازی کرد که دومین اسکار عمرش را صاحب شد. آیا فیلم جدید «مادرانه یکشنبه» (یا «سرپرستی یکشنبه») کولمن را هم که چهار سال پیش در «محبوب» به اولین اسکار عمرش رسید، صاحب دومین مجسمه طلایی‌اش در عرصه هنر هفتم خواهد کرد؟ جواب، مشخص نیست اما او طی مدتی کوتاه به آن دسته از هنرمندان ارزنده و شکر نام تبدیل شده که پیش از آنکه بابت حضور در فیلم‌هایش به بهره‌های هنری و حرفه‌ای برسد، با بازی‌اش در آثار سینمایی به آنها اعتبار می‌دهد و حتی می‌تواند یک



مادرانه یکشنبه

فیلم بد و ناموفق را قابل دیدن کند. کولمن البته این بار هم مثل «پدر» یک نقش مکمل را در «مادرانه یکشنبه» ایفا می‌کند و یورش تازه‌اش به سمت اسکار در ظرفیت‌های یک نقش نخست نیست اما طرف او در این فیلم و سینماگری که وی را تحت هدایت خود و در مسیر داستان دلخواهش قرار داده، **اوا هوسون** است. هوسون همانی است که در سال ۲۰۱۸ با درام موفق‌اش به‌نام «دختران خورشید» توانست هم با

استعداد بودن خود را به اثبات برساند و هم وعده ارائه کارهای موفق‌تری را در سال‌های بعدی بدهد و فیلم تازه او می‌تواند کاری از آن دست باشد و زمان فعلی، تاریخی که شکوفایی هنری هوسون را بیش از پیش سازد. فیلم مشترک هوسون و کولمن یک رمانس متمرکز بر زمانی مشخص و تاریخی بالنسبه دورالینت سرشار از لباس‌های پرزینت و رنگ و لعابی است که در کارهای برهنه هالیوودی می‌توان آن را نشان کرد.



بیا، بیا

ژواکین فینیکس بازیگر آمریکایی دو سال پس از کسب جایزه اسکار برترین بازیگر مرد سال به خاطر بازی در فیلم «ژوکر» ساخته تاد هینز با فیلم جدید «بیا، بیا» در اندیشه یک کاندیدایی تازه برای این جایزه است و آنهایی که بازی او را در این فیلم دیده‌اند، امیدواری و را در این زمینه چندان غیرعقلانی نمی‌دانند.

این فیلم با نویسندگی و کارگردانی **مایک میلز** و با روش تصویربرداری سیاه و سفید درباره یک هنرمند میانسال با بازی ژواکین فی نیکس است که در یک سفر طولانی در سطح تعداد زیادی از ایالات امریکا پسرعموی جوان خود را همراهی آن سال قرار گرفت و قلوب بسیاری از مردم را رهایی بخشد و به سلامت به مقصد برساند. این اولین فیلم مایک میلز بعد از کار موفق سال ۲۰۱۶ وی است که «زنان قرن بیستم» نام داشت و به سبب کیفیت خوب و داشتن داستانی ساده اما جذاب در جمع بهترین آثار سینمایی آن سال قرار گرفت و قلوب بسیاری از مردم را تسخیر کرد. «C'mon C'mon» ابتدا اواخر مهرماه امسال در جشنواره بین‌المللی فیلم نیویورک امریکا به نمایش درآمد و از اوایل آبان ماه اکران عمومی آن نیز آغاز شد و طی این فرایند همیشه این احساس و برداشت که فی نیکس با بازی قوی تازه‌اش می‌تواند به جوایز پایانی سال شامل جوایزی غیر از اسکار هم چشم بدوزد، وجود داشته است.

با این حال نباید از حق گذشت که مثل سایر کارهای میلز

صحنه گردان اصلی و ستاره واقعی فیلم او نه بازیگران و سایر عوامل اجرایی و نفرات همراهی کننده بلکه خود وی است که بد طولانی در قصه‌نویسی دارد و داستان‌ها و سناریوهایش بخوبی می‌توانند به بطن هر اتفاقی ورود کرده و پنهان‌ترین احساسات درونی را نیز آشکار سازند. این بدان معنا است که حتی اگر ژواکین فینیکس مجدداً نامزد اسکار بهترین هنرپیشه مرد سال نشود، خود میلز شاید در شاخه برترین سناریوی اصلی به کاندیدایی اسکار یا گلدن گلوب و بافتا نائل شود. «بیا، بیا» با قلم کاوشگر میلز و بازی‌های حرفه‌ای بخصوص از جانب فینیکس که پس از ۳۰ سال حضور در سینما به مدارج یک استاد در حرفه بازیگری رسیده، یک اثر روان‌شناختی عالی و عملی برای واکاوی جامعه بر تضاد فعلی امریکا است که انواع مشکلات و ناهنجاری‌ها را در بردارد و سیستم‌های حکومتی آن برای رفع معضلات فاقد کارایی لازم و حتی علاقه اولیه نشان می‌دهند. اضافه بر این «بیا، بیا» مثل سایر فیلم‌های مشابه قصه تفاوت نسل‌ها و وجود آرا و ایده‌های کاملاً متفاوت بین آنها است و فینیکس به‌عنوان عمومی که باید لغزش‌های برادرزاده‌اش را ترمیم و جای پای او را استوار کند، از انتقال پیام‌ها و راه‌حل‌های مؤثر در این زمینه به وی عاجز است. او هر چه بیشتر تلاش می‌کند، کمتر می‌تواند این قوم و خویش نابخته خود را به سوی عقل مداری و اقدامات توأم با خردسوق بدهد و اگر «C'mon C'mon» زبان مؤثر و پیام جالبی در این ارتباط دارد، به همین سبب و بر پایه همین رویکرد است.